

معاون برق و انرژی وزارت نیرو:

برنامه‌های صنعت برق برای عبور از زمستان اعلام شد

سوخت دوم و مایع نیروگاه‌های کشور در سطح مطلوبی انجام گرفته است؛ با این وجود، به دلیل افت و کسری حدود ۱۳۰ میلیون مترمکعبی در حجم گاز، تحویلی به بخش نیروگاهی نسبت به فصول گرم، امسال سال حساسی از نظر مدیریت زنجیره تأمین سوخت خواهد بود و ناگزیر به تکیه حداکثری بر سوخت جایگزین جهت حفظ پایداری فرکانس و ظرفیت تولید هستیم.

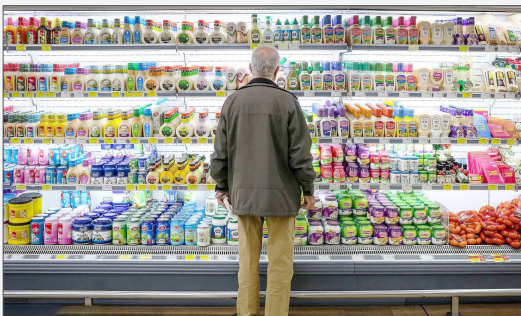
سخت‌گویی صنعت برق با تأکید بر پیشگامی ساختار دولتی در بهینه‌سازی الگوی مصرف تصریح کرد: پیرو دستور و تأکید صریح ریاست محترم جمهوری، برنامه‌مدون مدیریت بار ابتدا از پیکره دستگاه‌های اجرایی و دولتی آغاز شده و تمامی نهادهای ادارات موظف به کاهش محسوس تقاضای مصرفی هستند و فرایند پایش مصرف آن‌ها از طریق کنتررها و سامانه‌های هوشمند، به‌صورت لحظه‌ای و برخط رصد می‌شود.

وی در ادامه به تکالیف قانونی در حوزه گذار انرژی اشاره کرد و افزود: «تمامی ادارات و ارگان‌های دولتی مکلفند بر اساس برنامه‌ریزی‌های کلان، حداقل ۲۰ درصد از برق مصرفی خود را از محل منابع تجدیدپذیر تأمین نمایند.

گشایش در بورس انرژی؛ ۷۰۰ مگاوات ظرفیت آزاد و سبز در خدمت صنایع
معاون برق و انرژی وزارت نیرو در پایان با تبیین کارکرد تابلوی برق سبز و بازار برق آزاد بورس انرژی برای پشتیبانی از بخش مولد کشور خاطرنشان ساخت: در حال حاضر ظرفیتی بالغ بر ۷۰۰ مگاوات برق آزاد و تجدیدپذیر در بورس انرژی عرضه شده است و صنایع متقاضی و پیشرو می‌توانند با ورود به این بازار انرژی مورد نیاز خطوط تولید خود را بدون محدودیت و بالاترین سطح قابلیت اطمینان تأمین کرده و به‌رشد تولید و جهش اقتصادی کشور شتاب بخشند.

تکرار واژه ابرتورم در شبکه‌های اجتماعی؛

آیا تورم ۸۹ درصدی، ابرتورم محسوب می‌شود؟



البته تحریرها، محدودیت‌های بانکی و دشواری انتقال درآمدهای صادراتی باعث می‌شود تمام ظرفیت صادراتی ایران به‌راحتی به منابع ارزی در دسترس تبدیل نشود، اما نگاه تک بعدی به نرخ تورم یا نرخ رشد اقتصادی صرفاً تصویر نادرستی از اقتصاد و آینده آن نمایش می‌دهد.

صاحب‌نظران چه می‌گویند؟

حسین راغفر، اقتصاددان و استاد دانشگاه، در اظهارات اخیر خود تأکید کرده که اقتصاد ایران هنوز وارد مرحله ابرتورمی نشده است. به گفته او، شرایط تورمی موجود بسیار سنگین است و نبود سیاست مؤثر برای مهار تورم می‌تواند وضعیت را دشوارتر کند اما نباید هر تورم بالایی را ابرتورم نامید. مسعود نیلی نیز درباره شرایط تورمی ایران هشدار داده و از قرار گرفتن اقتصاد در ایستگاه پیش از ابرتورم با مرله تورم بسیار بالا سخن گفته است. این تعبیر نیز به‌معنای وقوع ابرتورم نیست، بلکه هشدار می‌دهد درباره ضرورت جلوگیری از ورود اقتصاد به مرحله‌ای است که سرعت رشد قیمت‌ها به شکل انفجاری افزایش پیدا کند. در نقطه مقابل، عبدالناصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی، در شهرپورماه با صراحت بیشتری گفته که ایران هنوز وارد ابرتورم نشده و احتمال وقوع آن نیز ضعیف است.

ابرتورم: واژه‌ای که نباید ابزار کلیک شود

در روزهای اخیر برخی صفحات و بلاگرهای اقتصادی با استفاده از عباراتی نظیر «ابرتورم در راه است» یا «اقتصاد ایران وارد ابرتورم شده» تلاش کرده‌اند روایت‌های بسیار هراس‌آوری از آینده اقتصاد ارائه کنند. مشکل اینجاست که فضای شبکه‌های اجتماعی یک عدد بزرگ مانند تورم ۸۹ درصدی ممکن است بدون توضیح درباره دوره زمانی آن منتشر شود و مخاطب تصور کند قیمت‌ها هرماه چنین افزایشی داشته‌اند، در حالی که برای تشخیص ابرتورم باید تورم ماهانه، شتاب افزایش قیمت‌ها و رفتار پول را بررسی کرد. در چنین شرایطی، استفاده بی‌محابا از واژه ابرتورم می‌تواند خودش به افزایش انتظارات تورمی و رفتارهای هیجانی در بازار ارز، طلا و سایر دارایی‌ها منجر شود.



معاون برق و انرژی وزارت نیرو با تشریح آخرین وضعیت پایداری شبکه و تراز انرژی در آستانه فصل سرد، از آمادگی ذخایر سوخت مایع برای جبران افت ۱۳۰ میلیون مترمکعبی گاز تحویلی خبر داد.

به گزارش مهر به نقل از وزارت نیرو، مصطفی رجبی مشهدی معاون برق و انرژی وزارت نیرو و سخت‌گویی صنعت برق با تشریح آخرین وضعیت پایداری شبکه و تراز انرژی در آستانه فصل سرد، از آمادگی ذخایر سوخت مایع برای جبران افت ۱۳۰ میلیون مترمکعبی گاز تحویلی خبر داد.

رجبی مشهدی همچنین الزام تأمین ۲۰ درصدی برق ادارات از منابع تجدیدپذیر، پایش هوشمند مصرف و عرضه برق در تابلوی آزاد و سبز برای تضمین تولید پایدار صنایع را از کلیدی‌ترین راهبردهای این وزارتخانه اعلام کرد.

معاون برق و انرژی وزارت نیرو اظهار داشت: با تمهیدات اندیشیده شده، ذخیره‌سازی

افزایش شدید قیمت‌ها در ماه‌های اخیر باعث شده واژه ابرتورم در شبکه‌های اجتماعی مورد توجه قرار گیرد. برخی صفحات اقتصادی حتی از ورود ایران به ابرتورم یا ابرتورم قریب الوقوع سخن می‌گویند. اما بررسی آمار رسمی و تعریف علمی ابرتورم نشان می‌دهد اقتصاد ایران با وجود تورم بسیار بالا با شرایط ابرتورمی فاصله زیادی دارد.

مسئله مهم این است که تورم بالا یا ابرتورم یکی نیست. در تعریف مشهور فیلیپ کگان، اقتصاد زمانی وارد ابرتورم می‌شود که قیمت‌ها در یک‌ماه دست کم ۵۰ درصد افزایش پیدا کنند. این تعریف نشان می‌دهد معیار اصلی ابرتورم فقط بزرگ بودن عدد تورم سالانه نیست، بلکه سرعت انفجاری افزایش قیمت‌ها و از دست رفتن کنترل فرایند قیمت‌گذاری است. آخرین آمار رسمی نشان می‌دهد تورم ماهانه ایران در مردادماه ۳/۴ درصد بوده است. تورم نقطه‌به‌نقطه به ۸۹ درصد و تورم سالانه به ۶۹/۹ درصد رسیده است. این ارقام برای اقتصاد ایران بسیار سنگین و برای خانواده‌ها و بنگاه‌ها نگران‌کننده است اما همچنان با مرز ۵۰ درصدی تورم ماهانه که در تعریف کلاسیک ابرتورم مورد استفاده قرار می‌گیرد، فاصله زیادی دارد.

تورم ۸۹ درصدی، ابرتورم نیست

بخش مهمی از برداشت‌های اشتباه در شبکه‌های اجتماعی از همین جانشی می‌شود. وقتی گفته می‌شود تورم نقطه‌به‌نقطه به ۸۹ درصد رسیده، به این معناست که سطح قیمت‌ها نسبت به مرداد سال گذشته تقریباً دو برابر شده است. اما این عدد به هیچ‌وجه به‌معنای آن نیست که قیمت‌ها در یک‌ماه ۸۹ درصد افزایش یافته‌اند. در مردادماه، افزایش ماهانه قیمت‌ها ۳/۴ درصد بوده است.

اقتصاد ایران چه چیزی دارد که اقتصادهای ابرتورمی نداشتند؟

ایران یک اقتصاد صرفاً مصرف‌کننده و واردات‌محور نیست. اقتصاد ایران دارای شبکه گسترده‌ای از فعالیت‌های تولیدی در حوزه‌های نفت و گاز، پتروشیمی، فولاد، مس، آلومینیوم، سیمان، دارو، غذا، خودرو، قطعات، ماشین‌آلات، لوازم خانگی، محصولات شیمیایی، کشاورزی و ده‌ها رشته صنعتی و خدماتی دیگر است. بانک جهانی نیز اقتصاد ایران را اقتصادی متشکل از بخش‌های هیدروکربوری، کشاورزی، خدمات و یک بخش قابل توجه تولیدی و صنعتی توصیف می‌کند. این تنوع تولیدی یک تفاوت بسیار مهم ایجاد می‌کند. در ایران بخش بزرگی از کالاها و خدمات مورد نیاز اقتصاد در داخل تولید می‌شود و کشور برای تأمین تمام نیازهای روزمره خود به واردات وابسته نیست.

اقتصاد ایران فقط نفت نیست

یکی از دلایلی که فاصله اقتصاد ایران با سناریوهای کلاسیک ابرتورم را بیشتر می‌کند گستردگی پایه تولید کشور است. ایران علاوه بر نفت در حوزه‌های پتروشیمی، فولاد، محصولات معدنی، فلزات اساسی، محصولات کشاورزی و صنعتی تولید و صادرات متنوع دارد. در نتیجه اقتصاد کشور تنها به یک منبع درآمد ارزی متکی نیست. این نکته در بحث ابرتورم اهمیت زیادی دارد، زیرا کشوری که هم تولید داخلی، هم مواد اولیه و انرژی فراوان و هم امکان کسب درآمد ارزی از صادرات کالا دارد، از نظر ظرفیت واقعی اقتصاد با کشوری که هم‌زمان با فروپاشی تولید و قطع منابع درآمدی مواجه شده است، تفاوت اساسی دارد.

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق العاده شرکت مهندسی راه و ساختمان و تاسیسات سازه فنار کرمان سهامی خاص

به شماره ثبت ۳۵۴۵ و شناسه ملی ۱۰۸۶۰۵۵۶۵۹۳

بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی فوق العاده که در تاریخ ۱۴۰۵.۰۷.۰۹ روز یکشنبه در ساعت ۹ صبح در محل شرکت کرمان خ سرباز روبروی ارد صاحب الزمان ک ۲۲ درب اولیه کد پستی ۷۶۱۶۷۹۱۳۵ تشکیل خواهد شد حضور بهم رسانند.

دستور جلسه مجمع : اتخاذ تصمیم در خصوص کاهش تعداد اعضاء هیئت مدیره شرکت و کلیه تصمیماتی در صلاحیت این مجمع می‌باشد.

هیئت مدیره شرکت مهندسی راه و ساختمان و تاسیسات سازه فنار کرمان



سر مقاله

آزادسازی نرخ در بازار بین‌بانکی

دکتر مهرداد سپهوند / کارشناس اقتصاد مالی و بین‌الملل

● گذار از نظامی که در آن نرخ‌های سود بانکی با دستورالعمل‌های اداری و غیر قابل تخطی تعیین می‌شوند به نظامی که تخصیص اعتبار و دسترسی بانک‌ها به منابع بر مبنای عرضه و تقاضا در بازار شکل می‌گیرند، صرفاً از طریق صدور یک دستورالعمل تازه ایجاد نمی‌شود. تجربه‌های موفق و ناموفق در طی این مسیر درس‌های ارزشمندی برای نظام مالی ما در بردارد.

آموزه‌های حاصل از این تجارب به شرایط مشخصی از جهت وضعیت اقتصاد کلان، نظام بانکی و شکل سیاست‌گذاری دلالت دارند که برای تبدیل این گذار به یک تجربه موفق مورد نیاز هستند. در مجموع می‌توان ادعا کرد گذشته از سطحی از ثبات اقتصاد کلان، آزادسازی نرخ بهره در شرایط ضعف نظارت بانکی، پایین بودن عمق بازارهای مالی، نامشخص بودن هدف عملیاتی بانک مرکزی و فقدان سازوکار موثر مدیریت نقدینگی به جای کارایی بیشتر، می‌تواند به تاخیرات نامخواسته در این بازار منجر شود. این تاخیرات می‌تواند رقابت ناسالم بانک‌ها برای منابع را تشدید کند و در حالت شدید خود به بحران بانکی منجر شود.

من در سرمقاله ۲۶ مرداد ۱۴۰۵ روزنامه دنیای اقتصاد که به بحث آزادسازی نرخ بهره اختصاص داشت به سه نکته اشاره کرده بودم. نخست اینکه نرخ بهره یکی از مهم‌ترین نرخ‌هایی است که در اقتصاد شکل می‌گیرد و کارکردهای گسترده‌ای دارد؛ نرخ‌ی است که بر مولفه‌های مهمی چون پس‌انداز، سرمایه‌گذاری، اعتبار، قیمت‌گذاری‌ها و در نهایت تخصیص منابع در اقتصاد اثر می‌گذارد. دوم اینکه مسأله امروز اقتصاد ایران را نباید صرفاً به افزایش نرخ بهره و صدور یک دستورالعمل دیگر تقلیل داد. آنچه ضرورت دارد اصلاح سازوکار نرخ بهره است؛ به گونه‌ای که بتوان از نرخ‌های متعدد، دستوری و بعضاً نامرتبط با شرایط بازار، به سازوکاری که در آن نرخ بتواند اطلاعات مربوط به کمیابی منابع و ریسک را منتقل کند و یک ابزار سیاست‌گذاری قوی به مقامات ناظر دهد، حرکت کنیم، نکته سوم نیز به ترتیب اصلاحات مربوط بود. آنجا تأکید کردیم که برابر تجربیات موجود اصلاح بهتر است از بازار بین‌بانکی آغاز شود، یعنی در بازاری که بانک‌ها در آن کسری و مازاد کوتاه‌مدت نقدینگی خود را باهم مبادله می‌کنند و نرخ شکل گرفته در آن می‌تواند نخستین حلقه انتقال سیاست‌پولی به سایر نرخ‌های اقتصاد باشد.

در ادامه آن بحث در این مختصر، به اهمیت زمینه‌سازی برای آزادسازی نرخ در بازار بین بانکی پرداخته می‌شود. به‌طور کلی تجربه کشورهایی که این مسیر را طی کرده‌اند، نشان می‌دهد که آزادسازی نرخ در بازار بین‌بانکی بدون یک نرخ سیاستی روشن، آماده‌سازی زیرساخت‌ها و ابزارهای مناسب تأمین نقدینگی، کردیور معتبر نرخ بهره و نظام مناسب وثیقه‌ممکن است به جای کشف قیمت به نوسانات ناخواسته و جهش قیمت منجر شود. بانک مرکزی باید در مورد سیاست خود در بازار بین بانکی کاملاً صریح و روشن عمل کند. سیاست اعتباری مقامات پولی زمانی که به‌صورت پیمایی روشن و معتبر به بازیگران بازار انتقال یابند، قادر است رفتار بانک‌ها را به سمت اهداف از پیش تعیین شده هدایت کند. در غیر این صورت نااهم‌نگی‌ها اجتناب‌ناپذیرند و سیاست‌کاری لازم را نخواهند داشت. مثالی در این زمینه تجربه بانک مرکزی ترکیه در سال ۲۰۱۰ است که از یک کردیور نامتقارن و نسبتاً گسترده همراه با چند نرخ و مدیریت تعادل نقدینگی استفاده کرد. این سیاست‌گذاری سبب شد تشخیص جهت واقعی سیاست پولی برای بازیگران بازار بسیار دشوار و پیچیده شود. برای آنها مشخص نبود که نرخ هدف بانک مرکزی کدام است؟ نرخ بین‌بانکی قرار است حول چه عددی نوسان کند؟ در چه سطحی بانک مرکزی نقدینگی تزریق خواهد کرد و در چه سطحی آن را جذب خواهد کرد؟ ترکیه سرانجام در سال ۲۰۱۸ چارچوب را ساده کرد. نرخ باز خرید یک هفته‌ای رسماً به نرخ سیاستی واحد تبدیل شد و نرخ‌های استقرار و سپرده‌گذاری یک‌شبه بانک مرکزی با فاصله ۱۵۰ واحد پایه در بالا و پایین آن قرار گرفتند. ماهیت فعالیت بانکداری موجب می‌شود بانک‌ها به‌طور ذاتی در معرض ریسک نقدینگی قرار داشته باشند. حتی برای بانکی که از بنیبه مالی مناسبی برخوردار است ممکن است ایفای تعهدات عاجل در یک مقطع زمانی معین ممکن نبوده و با کسری موقت وجه نقد مواجه شود. کسری نقدینگی می‌تواند به دلیل تأخیر در وصولی‌ها، خروج سپرده به واسطه شوک‌های پیش‌بینی نشده یا عدم تطابق زمانی سررسید دریافت و پرداخت باشد که به نوعی ذاتی فعالیت بانک است. کمبود نقدینگی شهرت بانک را در معرض خطر قرار می‌دهد و بانک به همین دلیل با صرف هزینه بالا تلاش می‌کند تا حتی به قیمت پذیرش نرخ‌های بالاتر از این خطر اجتناب نکند. پس بدون فراهم آوردن سازوکارهای مناسب برای تأمین نقدینگی، بازار استقرار می‌تواند بسیار پر نوسان و غیر قابل پیش‌بینی شود.

در زمینه مشکلات ممکن در صورت عدم آماده‌سازی از جهت آزاد تأمین نقدینگی، می‌توان چنین را مثال آورد. در سال‌های منتهی به ۲۰۱۳ بازار پول این کشور به‌تدریج نقش بیشتری در تعیین نرخ کوتاه‌مدت پیدا می‌کرد؛ اما چارچوب کردیور نرخ بهره، تسهیلات قاعده‌مند نقدینگی و ارتباط شفاف میان نرخ سیاستی و نرخ بازار هنوز به بلوغ نرسیده بود. در ژوئن ۲۰۱۳، در پی آزادسازی بازار با کمبود نقدینگی و ابهام نسبت به واکنش بانک مرکزی، نرخ‌های یک‌شبه و باز خرید هفت‌روزه که در ماه‌های قبل عمدتاً در محدوده ۲ تا ۳ درصد قرار داشتند، ابتدا از ۱۰ درصد عبور کردند و در ۲۰ ژوئن به ترتیب تا حدود ۲۵ و ۳۰ درصد بالا رفتند. دامنه نوسان درون‌روزی نرخ باز خرید هفت‌روزه در همان روز به ۳۳۲۹ واحد پایه رسید. چین در واکنش به جهش نرخ، صرفاً به سرعت تزریق پول بیشتر نرفت. بانک مرکزی این کشور به‌تدریج میانگین گیری ذخایر الزامی را توسعه داد تا بانک‌ها مجبور نباشند کسری یک‌روز را همان روز و به هر قیمتی جبران کنند؛ عملیات بازار باز را پرتکرارتر کرد و همچنین تسهیلات قاعده‌مند و ادبی را توسعه داد.

در هند نیز با آزادسازی نرخ در سال ۲۰۰۷، شاهد جهش نرخ‌ها تا ۵۴ درصد در بازار بین بانکی بودیم و نرخ‌ها از دامنه مورد انتظار خارج شدند. هند در کنار معرفی تسهیلات وام‌دهی ناپای، سازوکارهای موازی را هم برای دسترسی به نقدینگی به صورت قابل پیش‌بینی و تضمین شده در اختیار بانک‌ها قرار داد و به این ترتیب شوک‌های موقت را با عملیات تنظیم پاسخ داد و عدم تعادل‌های پایدارتر را با عملیات بازار باز مدیریت کرد تا دامنه نوسان محدودتر شود.

این تجارب برای ایران یک پیام عملی دارد؛ آزادسازی نرخ استقرار در بازار بین بانکی نباید به معنای رها سازی بازار فهمیده شود. برعکس، هر چه نرخ بازار آزادتر شود، لازم است قواعد مداخله بانک مرکزی شفاف‌تر و قابل پیش‌بینی تر باشد. بانک مرکزی باید یک نرخ سیاستی روشن داشته باشد؛ عملیات بازار باز را در اطراف آن انجام دهد؛ تسهیلات سپرده‌گذاری کف کردیور و تسهیلات وام‌دهی سقف آن را تشکیل دهد و در عین حال اجازه دهد نرخ بازار در داخل این محدوده، شرایط واقعی نقدینگی را منعکس کند.